

به بهانه سالها نیمه خرداد با تو ...

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۸

همه کودکان دهه شصت روزهای خرداد تهران را به یاد دارند. روزهایی که درختان سخاوتمند توت، میوه های خود را بر زمین می ریزند و صدای جوی ها کوچک و کوچه های تو در تو یادآور آب شدن برف ها و آغاز فصل تعطیلات بچه هاست. اما بیشتر بچه های دهه شصت به غیر اینها خرداد برایشان معنایی دیگر دارد.

همه کودکان دهه شصت روزهای خرداد تهران را به یاد دارند. روزهایی که درختان سخاوتمند توت، میوه های خود را بر زمین می ریزند و صدای جوی ها کوچک و کوچه های تو در تو یادآور آب شدن برف ها و آغاز فصل تعطیلات بچه هاست. اما بیشتر بچه های دهه شصت به غیر اینها خرداد برایشان معنایی دیگر دارد. تصاویری مات و مبهم از زیر چادر مادر که شمع به دست ما را به مسجد محل برده بود، قرآنهایی که بر سر گرفته شده بود و چهره های مات و مبهوت از خبر بیماری مردی که عکسش ابتدای کتابهای درسی بود و نامش به صف صبحگاه ما در مدرسه نظم می بخشید. ما فرزندان دهه شصت یک روز صبح خردادی که همراه با ورقه های آبی رنگ امتحان آماده بیدار شدن و رفتن به مدرسه بودیم ناگهان دیدیم که پدرهایمان رو به روی چشم ما گریه می کنند. مادرهایمان مشغول پختن حلوا در خانه هستند و ناگهان به جای برنامه های کودک صبحگاهی صدای اخبار گوی همیشگی با حزن خاص رفتن مردی بزرگ را برایمان بازگو می کند. ما بچه های دهه شصت وقتی با پدر پا به مصلی گذاشتیم گرد غمناکی را می دیدیم که بر صورت ایران نشسته بود. صورت هایی که انگار یک شبه پیر شده اند چه آنها که پیراهن روی شلوار دارند و محاسن بلند می کنند چه آنها که پیراهن را داخل شلوار کرده اند و محاسن کوتاه می کنند همه در خیابان سیاه شده اند و به اندازه چند سال انگار پیر تر شده اند. نیمه خرداد برای ما بچه های دهه شصت از همان روزها به یک معما تبدیل شد. این ها چرا برای این پیرمرد خندان پشت کتاب های درسی اینچنین زار می زنند. معمایی که هر سال باید حلش می کردیم. معمایی که نچشیده بودیم. معمایی که حالا هر سال به بهانه آن پرسش مرورش می کنیم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۳۳/خرداد-نیمه-سالها-بهانه/>